

دولت روسیه و اندیشه سلطه بر خلیج فارس

دکتر عبدالکریم مشایخی

زامداران روسیه، بر اساس وصیتنامه پطرکبیر، یکی از راههای تبدیل شدن به قدرت جهانی و امکان مقابله با رقبای دیگر را دست یافتن بر آبهای گرم خلیج فارس و دریای عمان می دانستند.

در این دوران، اساس سیاست خارجی زمامداران روسیه در آسیا، به ویژه ایران و خلیج فارس، نشئت گرفته از همین وصیتنامه بود. شایان ذکر است که اگرچه برخی از مورخان وصیتنامه پطرکبیر را ساختگی دانسته اند؛ اما، با نگاهی به سیاست خارجی زمامداران روسیه، تردیدی نیست که آنان همین وصیتنامه را اساس سیاست خارجی خود قرار داده بودند. در اینجا لازم است که برای آشنایی با اهداف زمامداران روسیه در خلیج فارس، که بر اساس مفادی از این وصیتنامه سیاستگذاری شده بودند، بند ۹ آن آورده شود:

نزدیک شدن هرچه بیشتر به قسطنطنیه و هند؛ کسی که این منطقه را در دست داشته باشد مالک تمام جهان خواهد بود. پس برای رسیدن به این مقصود باید به جنگهای دائمی دامن زد، نه فقط در ترکیه بلکه همچنین در ایران. تأسیس کارگاههای کشتی سازی در اطراف دریای سیاه، تصرف تدریجی این دریا که مانند دریای بالتیک برای اجرای طرحهای ما لزوم قطعی دارد و نفوذ تا خلیج فارس با تضعیف ایران؛ و، در صورت امکان، برقراری مجدد روابط تجاری سابق با مشرق زمین. پس از آن پیشروی تا هندوستان که انبار گنجینه های جهان است؛ پس از دستیابی به آنجا دیگر به طلای انگلیس احتیاجی نخواهیم داشت.

سیاست روسها طی سالهای تسلط انگلستان بر هندوستان و خلیج فارس، بیشتر به صورت تهدید هندوستان جلوه می کرد؛ زیرا این کشور به گسترش مرزهای خود مشغول بود و نمی خواست در محدوده ای خارج از این مرزها درگیر جنگ شود. از سوی دیگر

سیاست اصلی انگلستان در این دوره آن بود که از ایجاد مرز مشترک در مستعمرات و کشورهای تحت نفوذ خود با روسیه جلوگیری کند تا مجبور به جنگ با این کشور نشود. برآیند مشترک این دو سیاست، یعنی خودداری از ایجاد وضعی که منجر به جنگ بین دو دولت شود، نوعی همکاری یا عدم دخالت در توسعه طلبی متقابل را به وجود آورد؛ چنانکه، به عنوان نمونه، در طی جنگهای ایران و روس، که به انعقاد عهدنامه گلستان و ترکمنچای در سده نوزدهم منجر شد، دولت انگلستان نه تنها به دولت ایران کمکی نکرد بلکه به طور مستقیم موجبات شکست ایران را نیز فراهم آورد. به نظر می‌رسد که روسها نیز پس از انعقاد عهدنامه ترکمنچای حالت تهاجمی خود را برای مدتی نزدیک به نیم سده در ایران کنار گذاشتند و بیشتر سعی در تثبیت موقعیت خود در سرزمینهای متصرفی داشتند. بدیهی است که این امر در سیاست کلی آنها در خلیج فارس نیز مؤثر بود و آنها همچنان فقط به حفظ حالت تهدید انگلستان اکتفا می‌کردند.

طرح روسها در خلیج فارس

در سالهای آخر سده نوزدهم میلادی / سیزدهم هجری قمری روسها در سیاست خود تغییراتی اساسی داده به فعالیت و تحرکات بیشتری در منطقه خلیج فارس دست زدند. در این دوره هدف عمده روسها این بود که بتوانند در خلیج فارس پایگاههای دریایی و نیروی کافی مستقر سازند و با تأسیس یک خط آهن سرتاسری ترتیبی دهند که بتوانند در مواقع لزوم قوای جنگی لازم را از روسیه تزاری به این منطقه منتقل کرده پایگاههای خود را تقویت نمایند. واقعیت امر این است که حضور فعالانه تر روسها در منطقه خلیج فارس، جز حرکت در راستای تهدید هندوستان و اعمال فشار بر انگلستان برای گرفتن امتیازاتی از آن دولت در سایر نقاط دنیا و به ویژه اروپا چیز دیگری نبود. در سالهای پایانی قرن نوزدهم میلادی با ظهور دولت آلمان (رایش دوم)، افزایش میل توسعه طلبی در میان دولتهای اروپایی، ضعف دولت عثمانی و توجه کشورهای اروپایی به متصرفات آن دولت، مطرح شدن راه آهن بغداد و ظهور گروهبندیهای جدید کشورهای اروپایی و همچنین رقابتهای شدید مستعمراتی در چین و کشورهای نظیر آن، منافع بریتانیا در خلیج فارس از هر سو مورد تهدید جدی قرار گرفت. روسها با ظاهر شدن در خلیج فارس و کشورهای حاشیه آن تلاش کردند که انگلستان را آماده همکاری در سایر نقاط دنیا نمایند.

حضور پزشکان روسی در بندر بوشهر به بهانه مبارزه با طاعون

روسها با تأسیس کنسولگری خود در سال ۱۲۹۹/۱۸۸۱ ق در بصره، اولین قدم اساسی را برای توسعه و گسترش نفوذ خود در خلیج فارس برداشتند. کمی بعد، یعنی در فاصله سالهای ۱۸۸۸-۱۳۰۶/۱۸۸۴-۱۳۰۲ ق فعالیت روسها در خلیج فارس افزایش یافت و آنها در این منطقه آشکارا اقداماتی را آغاز کردند. از دیدگاه سیاستمداران فرانسوی مجموعه این تحرکات و اقدامات نشان‌دهنده آن بود که روسیه که از جنبه بازرگانی و سیاسی در شمال ایران دارای تفوق و برتری قابل ملاحظه‌ای بود، در صدد است در جنوب ایران نیز به همین نتیجه دست یابد. انگلیسیها نیز از دیدگاه خود، با اینکه از نظر رقابت با محصولات روسی چندان نگرانی نداشتند، از این موضوع نگران بودند که روسها، در پشت فعالیتهای تجاری، در فکر نفوذ سیاسی در منطقه جنوب ایران برآیند که این مسئله منجر به از دست دادن برتری آنها در منطقه خلیج فارس می‌گردید.

در سال ۱۳۱۶/۱۸۹۸ ق یکی از صاحبمنصبان روسی به نام کروگولوف با اختیارات خاصی به بغداد فرستاده شد تا با وساطت فرانسویها به افتتاح کنسولگری روسیه، که در سال ۱۳۰۴/۱۸۸۶ ق تعطیل شده بود، اقدام کند. با معاضدت و همکاری فرانسویها، در سال ۱۳۱۵/۱۸۹۷ ق، کنسولگری روسیه در اصفهان نیز تأسیس شد.

اولین نشانه‌های توجه روسها به سیاستهای راهبردی در خلیج فارس از زمانی آغاز شد که یک نفر مهندس کارشناس روسی مأموریت یافت تا از طریق کرمان عازم بندرعباس شده گزارش جامعی از اوضاع هرمز و موقعیت سوق الجیشی آن برای زمامداران روسی تهیه نماید. بعد از مراجعت این مهندس روسی معلوم شد که آنها قصد دارند در جزیره هرمز یک پایگاه مخابراتی راه‌اندازی نمایند.

شیوع طاعون در منطقه خلیج فارس، که از هندوستان نشئت می‌گرفت، فرصتی فراهم ساخت تا روسها حضور خود را در این منطقه استراتژیک هرچه بیشتر پررنگ نمایند. در سال ۱۳۱۴/۱۸۹۶ ق دو پزشک روسی به نامهای ام. ام. اوست (M.M. Oust) و ماره (Mare) مأموریت یافتند تا به منظور مطالعه طاعون عازم بوشهر شوند.

در سال ۱۳۱۶/۱۸۹۸ ق نیز دو پزشک دیگر به نامهای ام. ام. رودویتس (M.M. Rodewits) و کورناجوسکی به دو مأمور بهداشتی قبلی ملحق شدند. این مأموران در فاصله سالهای ۱۳۱۶-۱۳۱۷/۱۸۹۸-۹۹ ق بندر بوشهر را به صورت عمده‌ترین مرکز فعالیت روسها در منطقه خلیج فارس درآوردند. حضور پزشکان روسی در بندر بوشهر از جمله عواملی بود که سفارت روسیه در تهران را تشویق نمود تا نسبت به

تأسیس یک سرکنسولگری در بوشهر و استقرار نیروهای قزاق در آنجا اقدام نماید.

حضور ناوگان دریایی روسیه در خلیج فارس و بوشهر

در سالهای پایانی سده نوزدهم میلادی، روسها، همزمان با سایر فعالیتهای توسعه نفوذ خود در منطقه، درصدد ایجاد یک پایگاه دریایی در خلیج فارس برآمدند. به نظر می‌رسد که روسها با ایجاد این پایگاه، نه تنها آن را به عنوان یک پایگاه دریایی در نظر داشتند، بلکه طرحهایی نیز برای اتصال راه‌آهن سراسری روسیه به این پایگاه بندری تهیه کرده بودند.

به نوشته لوریمر، مقاله روزنامه چاپ سن‌پترزبورگ، که سردبیری آن به عهده یکی از شاهزادگان تزاری بود، مؤید این نظریه بود. در این مقاله ضمن توضیح موقعیت برخی از بنادر و جزایر خلیج فارس؛ بندرعباس، جزایر قشم، هنگام، لارک و هرمز به عنوان بهترین نقاط اختتام خط آهن سراسری ایران معرفی شده بودند. در همین مقاله، طرح دومی نیز ارائه شده بود که بر اساس آن، راه‌آهن سراسری ایران می‌بایست به بندر چاه‌بهار متصل شود. در همین سال (۱۳۱۸/۱۹۰۰ق) هیئتی تحت پوشش «هیئت جغرافیایی» برای بررسی بهترین مسیر راه‌آهن از روسیه به ایران گسیل شدند که هرگونه شک و شبهه‌ای در زمینه سیاستهای توسعه‌طلبانه روسها در آبهای خلیج فارس را برطرف می‌ساخت.

بدیهی بود که این نوع اقدامات روسها در خلیج فارس نگرانی دولت انگلستان را، که اصرار زیادی در تثبیت موقعیت خود در منطقه داشت برانگیزد، تا آنجا که وقتی در سال ۱۳۱۸/۱۹۰۰ق ناو جنگی روسیه به نام ژیلیاک (Gilyak) به خلیج فارس رسید، کشتیهای انگلیسی همه جا آن را تعقیب کردند و اجازه ندادند که آنها با نمایش قدرت، تأثیری بر مقامات بندری کرانه‌های خلیج فارس گذاشته و امتیازاتی به دست آورند.

نمایش بعدی ناوگان روسیه در خلیج فارس به وسیله ناو جنگی دیگری به نام «واریاک» یا واریاژ (Variague/Varyage) صورت گرفت. این ناو از خلیج عدن به بوشهر آمد. سرشنیان آن، ضمن ملاقات با مقامات ایرانی که کنسول فرانسه نیز بر این ملاقاتها نظارت داشت، به علت مراقبت ناوچه‌های انگلیسی، بعد از مراجعت از بوشهر دیگر در هیچ جایی توقف ننمودند.

سومین و چهارمین ناوگان روسی که به سوی خلیج فارس حرکت کردند و در بعضی از بنادر لنگر انداختند، ناوهای اسکولد (Askold) و بویارین (Boyarin) بودند که ناو

دومی در تاریخ ۲۸ فوریه به بوشهر رسید. در این زمان کنسول روس در بوشهر ام. پاسر (M. Passer) نام داشت که پس از انجام یافتن تشریفات رسمی همراه با مقامات ایرانی بر روی عرشه ناو بویارین حضور یافت. این ناو روسی همراه با یک ناو فرانسوی از بوشهر به کویت رفتند و پس از بازدید از بندر لنگه به مسقط برگشتند در حالی که سرکنسول روسیه در بوشهر را نیز همراه خود داشتند.

بازدید کشتیهای جنگی روسیه از بنادر جنوبی ایران، به ویژه بوشهر، با تشریفات خاصی همراه بود؛ مسئولان کشتیها تلاش می‌کردند که عموم مردم از این کشتیهای جنگی بازدید نمایند و از نزدیک با قدرت دریایی روسیه آشنا شوند.

اعزام هیئتهای جغرافیایی روسیه به بندر بوشهر

یکی دیگر از اقدامات روسها در ایران، اعزام افرادی بود که مقامات کنسولی روسیه در ایران آنها را به عنوان هیئتهای جغرافیایی (Geographical Missions) معرفی می‌کردند؛ در حالی که از ترکیب هیئتها چنین مستفاد می‌شد که آنها کارشناسانی هستند که با اهداف خاصی به کرانه‌های شمالی خلیج فارس آمده‌اند تا در آینده بتوانند به پایگاههای دریایی خلیج فارس که سالها در انتظار آن بودند، دسترسی یابند.

در سال ۱۳۱۸/۱۹۰۰ ق دوازده نفر، که تعدادی از مقامات راه‌آهن روسیه نیز در بین آنها بودند، از طریق تهران به اصفهان و شیراز و سپس به کرانه‌های شمالی خلیج فارس آمدند و به نوشته گازیته در چهار نقطه خلیج فارس حضور یافتند.

اولین گروهی که به خلیج فارس رسید، ساخانسکی (Sakhanski) و همراهانش بودند که قبل از پایان ماه مه ۱۳۱۸/۱۹۰۰ ق به بوشهر رسیدند. ساخانسکی تا سوم ژوئن در بوشهر ماند و سپس از راه دریا به اروپا مراجعت کرد. تومیلوف (Tomiloff) یکی دیگر از افراد اعزامی بود که از طریق خرمشهر به بوشهر آمد و، پس از سفر به شیراز، مجدداً به بوشهر مراجعت کرد و با کمک احمدخان دریابیگی حکمران بوشهر به وسیله کشتی پرسپولیس به خرمشهر برگشت و از آنجا عازم اصفهان شد.

هدف اصلی روسها از اعزام هیئتهای شناسایی مذکور، بررسی راههای مختلف نفوذ به خلیج فارس بود، هر چند می‌دانستند که با حضور مقتدرانه انگلیسیها در منطقه خلیج فارس هرگز به اهداف خود نخواهند رسید.

در سال ۱۳۲۱/م ۱۹۰۳ ق منابع اطلاعاتی انگلیس فاش کردند که هدف اصلی روسها از اعزام هیئتهای مذکور، مطالعه در مورد راهاندازی خط آهنی بود که می‌بایست قفقاز را

از بهترین راه ممکن به خلیج فارس متصل نماید. این طرح به علت مخالفت انگلیسیها و اظهار عقیده مخالف بعضی از گروههای اعزامی، که بنادری مانند بوشهر و بندرعباس را به عنوان نقطه پایانی راه آهن سرتاسری مناسب نمی دانستند، با شکست مواجه شد.

فعالیت‌های تجاری روسیه در خلیج فارس

روسها برای اینکه بتوانند منافع پایداری برای خود در خلیج فارس داشته باشند؛ همچنین برای ایجاد زمینه‌های مناسب‌تری جهت نفوذ سیاسی در ایران و خلیج فارس، تصمیم به تأسیس مراکز تجاری در ایران گرفتند. اولین اقدام عملی و تجاری روسها در خلیج فارس تأسیس خطوط کشتیرانی بازرگانی در خلیج فارس بود که مورد حمایت رسمی یکی از اطبای روسی مقیم بوشهر قرار گرفت. طبیب مزبور در ژوئیه سال ۱۳۱۸/۱۹۰۰ ق صراحتاً اظهار کرده بود که یک خط کشتیرانی روسیه در پاییز آینده در آبهای خلیج فارس شروع به فعالیت خواهد نمود.

پیش از آنکه این طرح به مرحله اجرا درآید، یک هیئت روسی از بمبئی به بوشهر آمد تا اطلاعات کافی به دست بیاورد. دو نفر از اعضای این هیئت عبارت بودند از سیرومیتانیکوف (Siromitanikoff) و پلنبرگ (Pellenberg) که احتمالاً با طبیب نامبرده در زمینه ایجاد خط کشتیرانی گفت‌وگوهایی داشتند و او نیز اظهارات آنها را دلیل احتمالی تأسیس خط کشتیرانی در پاییز همان سال دانسته بود. بعدها معلوم شد که سیرومیتانیکوف از اعضای برجسته گروه سردبیران به نام روزنامه نوویه ورمیا (Novoye Vremya) چاپ سن پترزبورگ بوده است.

پلنبرگ از بندر بوشهر به بندر دیلم رفت و از آنجا وارد خرمشهر شد. در دهه سوم ماه ژوئیه به آنجا رسید و سپس عازم اهواز گردید. مقارن با همین زمان، سیرومیتانیکوف به بازدید از بصره و بغداد سرگرم بود و مانند رفیقش تلاش خود را مصروف کسب اطلاعات تجاری می نمود. سیرومیتانیکوف، ضمن بازدید خود از بصره و بغداد، از کویت نیز بازدید به عمل آورد و آمادگی خود و دولت متبوعش را برای خدماتی به شیخ مبارک حاکم وقت کویت اعلام کرد و پیشنهاد داد تا پاره‌ای از وسایل تزئینی و دکوراسیون، که روسها تهیه می کنند، برای تزئین مقر شیخ استفاده شود؛ ولی پیشنهاد وی از طرف شیخ مؤدبانه رد شد.

تقریباً در اواخر ماه اوت مجدداً این جهانگردان به بوشهر عزیمت نمودند و یک هفته بعد عازم بندرعباس شدند، سپس از بندرعباس به بندر لنگه رفتند و از آنجا در اواخر

سپتامبر ۱۹۰۰/۱۳۱۸ق با کشتی راه اروپا را در پیش گرفتند.

سیرومیتانیکوف، پس از بازگشت به سن پترزبورگ، گزارش داده بود که از جنوب ایران می‌توان برنج و خرما به روسیه وارد نمود. وی از فکر تأسیس یک شعبه بانک روسی در یکی از بنادر جنوبی ایران و نیز تأسیس انبارهای زغال و مراکز سوختگیری در بوشهر و بصره و افتتاح کنسولگری یا کنسولیاری روس در آن نقاط به شدت حمایت می‌کرد و توصیه می‌نمود این اقدامات هرچه زودتر آغاز شود. وی همچنین پیشنهاد کرد یک فروند ناو جنگی روسیه به طور دائم در خلیج فارس حضور داشته باشد و نیز تأسیسات روسیه در جنوب ایران به توسط گاردهای مسلح قزاق حفاظت شوند. وزیر مالیه روسیه، پس از مطالعه گزارش مذکور، کمیته مخصوصی را جهت بررسی پیشنهادهای مندرج در گزارش سیرومیتانیکوف مأمور کرد. در این کمیته بسیاری از نمایندگان ادارات و شعب بازرگانی روسیه شرکت داشتند. کمیته در تاریخ یازدهم دسامبر ۱۹۰۰/۱۳۱۸ق در سن پترزبورگ تشکیل داد و کلیه پیشنهادهای سیرومیتانیکوف را بدون تغییر عمده مورد پذیرش قرار داد. به موجب پیشنهاد این کمیته، باید هرچه زودتر یک خط کشتیرانی منظم بین روسیه و خلیج فارس دایر می‌شد و از طرف دولت روسیه نیز کمکی معادل سه روبل بر حسب هر مایل دریایی که کشتیها طی می‌کردند پرداخت می‌شد. کشتیهای مزبور موظف بودند در فاصله هر دو ماه، یک بار فاصله اودسا تا بوشهر و بصره را بپیمایند؛ و شرکت روسی کشتیرانی دریای سیاه مأموریت یافت تا اداره این خط جدید را به عهده بگیرد. کمپانی مزبور باید تعهد می‌نمود که در بصره و بوشهر انبارهای سوختگیری دایر نماید. دولت روسیه نیز موظف گردید از حقوق و عوارض گمرکی که به واردات برنج تعلق می‌گرفت در مورد برنجهایی که از خطوط کشتیرانی خلیج فارس وارد می‌شد صرف نظر کند و یا لااقل کاهش قابل ملاحظه‌ای در میزان حقوق و عوارض مربوط بدهد. قرار شد یک بانک تجارتي روس و همچنین کنسولگری روسیه در بوشهر و بصره تأسیس شود. البته در بصره کافی بود که پست معاونت کنسولی ایجاد نمایند. از وزیر دفاع روسیه تقاضا شد یک گارد مسلح برای حفاظت تأسیسات کنسولی روسی در بوشهر و بصره و سایر پایگاههای روسیه در آن نواحی اختصاص داده اعزام نماید. از وزیر درياداري نیز خواسته شد که ناوگان روسی را به طور دائم مأمور خلیج فارس نماید.

پس از اقداماتی که پیشتر ذکر شد و توصیه‌هایی که در زمینه برقراری خطوط کشتیرانی بین اودسا و خلیج فارس به عمل آمد، اولین کشتی‌ای که بدین منظور به سوی خلیج فارس روانه شد کشتی کورنیلف (Korniloff) بود. این کشتی ناوچه‌ای کهنه و

قدیمی بود که در سال ۱۲۸۶/۱۸۶۹ق به آب انداخته بودند و ظرفیت حمل کالای آن چندان قابل ملاحظه نبود. علاوه بر این، میزان آبخور کشتی مزبور نیز با عمق خلیج فارس چندان مناسبت نداشت زیرا به مقدار زیاد در آب فرو می نشست که این امر، با توجه به کم عمق بودن سواحل، مشکلات زیادی را برای آن به وجود می آورد. کورنیلف در اولین مسافرت دریایی خود به خلیج فارس تا حدودی مسلح گردیده بود؛ روی آن شش دستگاه مسلسل کار گذاشته بودند تا بتواند در برابر حملات احتمالی دزدان دریایی از خود دفاع نماید. این کشتی پس از رسیدن به مسقط و جاسک به بندرعباس آمده از آنجا به لنگه رفته در تاریخ ۲۱ مارس ۱۳۱۹/۱۹۰۱ق وارد آبهای بوشهر شد.

در بوشهر پرنس دیبجا (Prince Dabija) از کشتی کورنیلف بازدید به عمل آورد. شاهزاده مزبور سرکنسول روسیه در اصفهان بود که چهارم مارس وارد بوشهر شد تا در لحظات ورود کورنیلف در آنجا باشد. کشتی کورنیلف از بندر بوشهر به سوی بصره حرکت نمود و از چهارم تا ۱۵ آوریل در آنجا لنگر انداخت و سپس راه بازگشت از خلیج فارس را در پیش گرفت.

روسها در سالهای بعد نیز کمکهای ارزنده ای به تجارت اتباع خود در جنوب ایران و خلیج فارس نمودند. به این طریق که دو گروه از هیئتهای تجارتی خود را در سالهای ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ به نقاط مزبور اعزام داشتند. ریاست عالیه هر دو گروه با پرنس آناتولی، یکی از شاهزادگان ارمنستان، بود. اعضای گروه اول در شیراز، بوشهر، خرمشهر، شوشتر و بعضی مناطق دیگر دیده شدند. پرنس آناتولی نیز شخصاً از دو منطقه خرمشهر و شوشتر بازدید به عمل آورد (اوت ۱۹۰۴) در اثر اقدامات این دو گروه، عمده ترین کاری که گمان می رفت انجام داده شود، تأسیس شعبه ای از بانک روس در بوشهر و شیراز بود.

پرنس آناتولی منشی هیئت مدیره بانک روس بود؛ ولی در این سفر به عنوان ناظر کمپانی انجام وظیفه می کرد و از کارمندان آن شرکت و وضع آنها در بوشهر بازرسی رسمی به عمل آورد. تعداد این کارمندان عبارت بود از یک نفر رئیس و ۷ نفر کارمند که تماماً در بوشهر به کار مشغول بودند. شاهزاده مزبور در ۲۸ سپتامبر ۱۳۲۳/۱۹۰۵ق با یکی از کشتیهای شرکت تروور (Trouvor) وارد بوشهر شد و از آنجا به شیراز رفت و از اوایل اکتبر تا پایان همان ماه در شیراز ماند و سپس به اصفهان عزیمت کرد و از آنجا به سوی تهران حرکت نمود.

تأسیس کنسولگری روسیه در بندر بوشهر

توسعه اقدامات روسها در خلیج فارس و گسترش فعالیت نیروی دریایی و بازرگانی آنان سبب گردید تا دولت روسیه بر تعداد نمایندگان کنسولی و اعضای کنسولگری خود در خلیج فارس بیفزاید. افزایش حجم مبادلات تجاری و بازرگانی روسها در بندر بوشهر دولتمردان روسیه را ترغیب نمود تا نسبت به ایجاد نمایندگی سیاسی در این بندر اقدام نمایند.

همانگونه که پیشتر آمد، در سال ۱۳۱۸/۱۹۰۰ق، کشتی جنگی ژیلیاک و در سال بعد کشتی دیگری موسوم به واریاک به بوشهر آمدند که از طرف نایب کنسولگری فرانسه در بوشهر، که وکالت دولت روسیه در این شهر را نیز به عهده داشت، با نهایت احترام از آنها پذیرایی شد.

حضور ناوگان جنگی و کشتیهای تجاری روسیه در خلیج فارس، که درصدد ایجاد پایگاهی مناسب برای خود بودند، باعث شد روسها در سال ۱۳۱۹/۱۹۰۱ق درصدد ایجاد سرکنسولگری در بوشهر برآیند.

در تابستان ۱۳۱۸/۱۸۹۹ق شاهزاده دابیجا سرکنسول روسیه در اصفهان با تشریفات خاصی همراه با دو تن از بازرگانان مسلمان شهروند روسیه در بندر بوشهر حضور یافته مقدمات ایجاد یک تشکیلات قوی کنسولی و اقتصادی را در بوشهر فراهم نمود.

به عقیده هاردینگ، که مسئول سفارت انگلیس در تهران بود، سفر دابیجا و قزاقانش و همچنین دیگر مسافران روسی که از ورود آنان در حوالی بندرعباس گزارش شده بود، زمینه حضور یک نیروی نظامی خطرناک را فراهم می کرد.

هاردینگ به نمایندگی سیاسی انگلیس مقیم بوشهر تلگراف کرد که «شما باید مراقب حرکات او و حرکات دیگر روسها در بندرهای خلیج فارس باشید. شما یقین داشته باشید که روسیه و فرانسه کارهایشان هماهنگ است.»

اشاره هاردینگ به فرانسه از آن رو بود که فرانسه و روسیه در برابر آلمان متحد شده و شاهزاده دلیجا در بوشهر مهمان کنسولی فرانسه شده بود. همچنین فرانسه پیشتر، در سال ۱۳۱۳/۱۸۹۴ق در مسقط، کنسولگری برپا کرده بود.

به نظر می رسد که مهم ترین عامل حضور روسها در خلیج فارس – دریایی که انگلیسیهای مقیم هند آن را «دریای خودمان» می نامیدند و از دست اندازی و حضور هر دولتی در آن ناراضی بودند – درگیر شدن انگلیس در جنگ با بوئرها در آفریقا بود. این جنگ به روسها فرصت داد تا به درون خلیج فارس راه یابند. دابیجا در ماه مارس

۱۳۱۹/۱۹۰۱ ق دگر باره با ناو کورنیلف (Kornilov) به خلیج فارس بازگشت و کوشید تا خانه‌ای در بوشهر خریده کنسولگری روسیه را در آن شهر برپا دارد. شایع بود که وی از بازرگانی به نام آقامحمد شفیع، که تحت تعقیب قضایی انگلیس بود، درخواست کرده بود تا خانه‌ای در حومه بوشهر برای کنسول روس بسازد. در محمره (خرمشهر)، به بهانه اینکه نماینده روسیه از شهری آمده که در آنجا طاعون شایع بوده، او را در قرنطینه نگاه داشتند. دایبجا به شدت اعتراض کرده و گفته بود: «که در بوشهر هیچ اثری از طاعون نیست و خواسته بود که دستور شاه یا صدراعظم را به او نشان دهند.» اما بعد دانسته بود که این حکم به دستور یک پزشک انگلیسی صادر شده و دلیل سیاسی داشته است. دایبجا، در نتیجه مخالفت‌های انگلیسیها، موفق به ایجاد کنسولگری در بوشهر نشد. اما ناو کورنیلف، که حامل مقداری مالالتجاره و پنج نفر از تجار روسیه بود، در بندرگاه بوشهر لنگر انداخت. تا آن روز حتی یک نفر روسی در بوشهر ساکن نبود، در نتیجه، وکالت تجارت روسیه به شرکت هلندی هوتس و پسران که تقریباً پانزده سال تحت حمایت انگلیسیها به امور بازرگانی در خلیج فارس سرگرم بود، واگذار شد. شایان ذکر است که این شرکت حمایت انگلیسیها را از خود سلب و خود را مستقل اعلام نموده رسماً تابعیت روسی به خود گرفت و به طور رسمی به عنوان نماینده خطوط جدید کشتیرانی روسیه در خلیج فارس معرفی شد.

لرد کرزن، نایب‌السلطنه هند که از حضور فعال روسها در خلیج فارس نگران شده بود، در نوامبر ۱۳۱۹/۱۹۰۱ ق در نامه‌ای به دولت انگلیس، مسئله ایران و خلیج فارس را به عنوان یکی از بحرانی‌ترین مسائل آسیای میانه قلمداد کرد. وی ضمن هشدارهای پیاپی به دولت انگلیس درباره مطامع روسها در خلیج فارس می‌نویسد:

تحصیل منافع یا حقوق سیاسی به وسیله دولت روسیه در آن نواحی از خطر اصلی برای امنیت امپراطوری انگلیس سرشار خواهد بود. امیدوارم که چنین اندیشه یا پیشنهادی در آینده نیز مانند گذشته همچنان با مخالفت شدید دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مواجه شود.

منظره کشتیها و کنسولگریهای روس در خلیج فارس، که یکی بعد از دیگری افتتاح می‌شد، کرزن را بر آن داشت با دولت انگلیس تا راه جنگ و ستیز در پیش گیرد. در آن سال بین کرزن و لرد جرج هامیلتن (Lord G. Hamilton) وزیر امور هندوستان مبارزات سختی درگرفت؛ هر یک می‌کوشید تا باور خود را به دیگری بقبولاند و دیگری را به عدم طرفداری از منافع انگلیس متهم سازد. کرزن با احداث راه آهن روسیه به سوی

خلیج فارس موافق بود و هامیلتن گسترش راه آهن روسیه را به ضرر انگلیس می دانست. کرزن جاضر به پذیرش واگذاری هر امتیازی از سوی ایران به روسیه نبود و بر آن باور بود که این کار مصالح انگلیس را به خطر می اندازد؛ ولی هامیلتن، از روی ستیز با کرزن، با این نظر موافق نبود.

در سال ۱۳۱۹/۱۹۰۱ ق ول دومار اووسنکو (Awesenko)، که معاونت سرکنسولگری بغداد را به عهده داشت، به بوشهر آمد و اقدام به تأسیس سرکنسولگری روسیه در بوشهر نمود.

در سال ۱۳۲۰/۱۹۰۲ ق مدیر بانک بین المللی مسکو به بوشهر آمد تا از نزدیک به وضع بندر رسیدگی نماید؛ اما در جنوب ایران هیچ گاه یک بانک روسی تأسیس نشد. اووسنکو تا سال ۱۳۲۱/۱۹۰۳ ق مسئولیت سرکنسولگری روسیه را در بوشهر به عهده داشت. در اوایل همان سال ژنرال نیکلا پاسک (Passek) به بوشهر آمد و اووسنکو به کنسولگری سیستان مأمور شد. پاسک سه معاون به اسامی سرگئی چرکین، باریس میلر و اندره میلر همراه خود آورده بود.

تأسیس کنسولگری روسیه در بوشهر و دیگر فعالیتهای روسها در خلیج فارس کفه ترازو را به نفع نظریات کرزن سنگین تر کرد؛ تا آنجا که وزیر امور خارجه انگلستان لرد لنزداون (Lord Lansdowne) در پنجم مه ۱۳۲۱/۱۹۰۳ ق در مجلس لردها اعلام کرد که سیاست انگلیس ترویج و حفظ بازرگانی بریتانیا در خلیج فارس است و صراحتاً اعلام کرد که:

اما باید تأسیس پایگاه دریای و یا ساختن استحکامات در یکی از بندرهای خلیج فارس را، از طرف هر دولت دیگر، تهدیدی برای مصالح بریتانیا به شمار آوریم و البته با تمام وسایلی که در اختیار داریم با آن مقاومت می کنیم.

گفته لنزداون لرد کرزن را پرتوان تر ساخت و وی در جست و جوی راهی برای پیاده کردن اندیشه خود بود. سفیر روسیه در لندن در دیداری با لنزداون به وی اطمینان داد که روسیه در صدد نیست در خلیج فارس پایگاه دریایی ایجاد کند و بهتر است که انگلیس به پیگیری گفت و گو با روسیه بر سر تقسیم منافعشان در ایران اقدام نماید.

کرزن بر آن شد تا برای نمایش توان انگلیس و دادن هشدار به ایران و روسیه، به خلیج فارس سفر کند و با سر زدن به بندرها و شیخ نشینها، توانمندی خود و نیروی دریایی انگلیس و سیاست سلطه جویانه کشورش را در خلیج فارس به نمایش بگذارد، سفری که در نوامبر و دسامبر ۱۳۲۱/۱۹۰۳ ق، با تشریفات تمام در خلیج فارس آغاز

شد؛ اما، همان‌گونه که دکتر کاظم‌زاده می‌نویسد، با شکست کامل مواجه گردید، و در نتیجه روسها، مانند گذشته، به فعالیتهای تجاری و بازرگانی خود در بندر بوشهر ادامه دادند. پاسک در سال ۱۳۲۳/۱۹۰۵ق، مأمور بارسلون اسپانیا شد. بعد از وی دو کنسول دیگر نیز مأموریت یافتند؛ ولی از حضور در بوشهر خودداری نمودند. در غیاب آنها، چهار نفر متوالیاً کفالت کنسولگری روسیه در بوشهر را به عهده داشتند که عبارت بودند از:

۱. موسیو کارلوبفسکی ۲. موسیو دیمتریف (که در بوشهر خودکشی کرد) ۳. موسیو لیایوف ۴. موسیو لوئیکو.

در کادر سرکنسولگری روسیه در بوشهر همیشه دو نفر قزاق سواره حاضر بود، و نمایندگان کنسولگریهای اهواز و شیراز زیر نظر سرکنسولگری بوشهر اداره شدند. بعد از پیروزی انقلاب بلشویکی در روسیه سرکنسولگری روسیه در سال ۱۳۳۷/۱۹۱۸ق در بوشهر تعطیل شد و «لوئیکو» به روسیه بازگشت.

عمارت سرکنسولگری روسیه در بوشهر در محل جفره علیباش قرار داشت که بعد از تأسیس نیروی هوایی در بوشهر و تخریب این ساختمان، قطعه زمینی در ضلع شمالی استانداری به آنان واگذار شد؛ بر اساس تحقیقاتی که شده هنوز هم مالکیت آن زمین متعلق به روسهاست.